

کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه

سال پنجم، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۹۴ هـ ش / ۱۴۳۷ هـ ق / ۲۰۱۶ م، صص ۸۳-۱۰۲

بازتاب بنیادهای اخلاق اجتماعی امام رضا (ع) در شعر متعهد عربی و فارسی^۱

بهمن هادیلو^۲

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ایران

چکیده

ادبیات متعهد می‌کوشد ارزش‌های دین اسلام و سجایای اخلاقی اهل بیت علیهم السلام را به تصویر کشیده و در راستای الگوآفرینی ادبی - اخلاقی گامی مؤثر بردارد. با توجه به تعامل و پیوند فرهنگی و تاریخی میان ایرانیان و اعراب، بازتاب شخصیت اخلاقی امامان معصوم در شعر ایشان قابل بررسی است.

پژوهش حاضر، بر اساس روش توصیفی - تحلیلی با رویکرد تطبیقی، می‌کوشد تا مصادیقی از اخلاق اجتماعی امام رضا (ع) را در دو ادب فارسی و عربی، ارائه نماید. اگرچه امام (ع) جامع تمام فضائل انسانی است، اما با بررسی مواردی از شعر عربی و فارسی، برخی ویژگی‌های اجتماعی امام رضا (ع) از جمله: کرم، حسن خلق، صداقت، فروتنی و عدالت ایشان بیشتر خودنمایی می‌کند، از جهت بسامدی نیز، از میان سجایای اخلاقی - اجتماعی مذکور، شاعران هر دو زبان بیشتر به اصل اخلاقی کرم و بخشش آن حضرت پرداخته‌اند؛ و آن به جهت تأکید امام رضا (ع) بر بخشش و سخاوت و تجلی آن فضیلت‌ها در گفتار و کردار می‌باشد.

واژگان کلیدی: اخلاق اجتماعی، امام رضا (ع)، شعر متعهد دینی، فضیلت اخلاقی.

۱. پیشگفتار

خداوند سبحان در آیه شریفه: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری/ ۲۳) محبت به اهل بیت علیهم السلام را برای انسان ترسیم می‌نماید؛ و هر کسی علاوه بر ابراز عشق قلبی به ائمه علیهم السلام، به تناسب شایستگی‌های خود به روش‌های مختلف، در مسیر محبت به ایشان گام برمی‌دارد و شاعران نیز با استمداد از طبع لطیف خویش و ریختن احساسات ناب در قالب الفاظ، از عاملان به آیه شریفه مذکور قرار می‌گیرند و التزام خویش را نسبت به اهل بیت (ع) با سرودن شعر اعلام می‌دارند. از آنجا که شعر به جهت ماهیت عاطفی، بهترین ابزار رسانه در هر زمان بوده و به سرعت در همه جا منتشر می‌شود و به آسانی در خاطره‌ها نقش می‌بندد؛ برخی از شاعران تلاش می‌کنند تا با زبان شعر، حقانیت رهبران الهی و حقایق پنهان را به فرهنگ جامعه و شعور اجتماعی منتقل سازند و آن را در طول زمان جاودانه نمایند.

۱-۱. ضرورت و هدف پژوهش

بازخوانی و دقت در اخلاق اجتماعی حضرت رضا (ع)، از آن جهت ضرورت دارد که جامعه با الگوبرداری از آن حضرت، وظیفه اخلاقی و رفتار مبتنی بر تکریم را مورد توجه قرار داده و نسبت به یکدیگر مراعات نمایند؛ هدف از این پژوهش نیز کشف بنیادهای اخلاق اجتماعی آن حضرت در خلال شعر عربی و فارسی است؛ و از آنجا که شعر در انتقال مفاهیم نقش برجسته‌ای دارد، می‌تواند بستری را برای الگوبردازی اخلاق اجتماعی امام رضا (ع) فراهم سازد.

۲-۱. پیشینه پژوهش

به جهت جایگاه والای امام هشتم در میان مسلمانان، محققان و نویسندگان، آثار ارزنده‌ای را در این زمینه به یادگار گذاشته‌اند. از جمله این آثار می‌توان به مقاله دکتر روح‌ا... هادی با عنوان «سیمای امام رضا (ع) در شعر پارسی از سنایی تا جامی» اشاره نمود. وی در این مقاله، ضمن معرفی شاعرانی که دیوان اشعارشان با مدح امام ثامن (ع) زیور یافته، نمونه‌هایی از سروده‌های آن‌ها را ذکر نموده است. پایان‌نامه‌ای با عنوان «اهل بیت در دیوان دعبل خزاعی» نوشته غلامرضا رضایی سهل‌آبادی، مهم‌ترین تحقیق انجام شده در این زمینه است که در آن نویسنده علاوه بر اینکه به سایر آثار و اشعار دعبل اشاراتی نموده بیشترین تأکیدش بر قصیده تائیه وی و شرح و تفسیر نکات و ارزش‌های ادبی - سیاسی و مفاهیم و مضامین مندرج در آن است.

با مطالعه آثار و تألیفات نگارش شده در خصوص امام رضا (ع)، هیچ تحقیق و اثر مستقلی به بازتاب اخلاق اجتماعی امام رضا (ع) در شعر متعهد فارسی و عربی نپرداخته است.

۱-۳. پرسش‌های پژوهش

- الف: بنیادهای اخلاق اجتماعی امام رضا (ع) بر چه صفاتی استوار است؟
ب: آیا به غیر از روایات، منبع دیگری برای جستجوی بنیادهای اخلاق اجتماعی امام رضا (ع) موجود است؟
ج: نقش شعر به عنوان یک رسانه هنری در ابراز و برجسته‌سازی ویژگی‌های اخلاقی امام رضا (ع) چه اندازه است؟

۱-۴. روش پژوهش

مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی ویژگی‌ها و بنیادهای اخلاقی رضوی در پرتو شعر عربی و فارسی پرداخته است.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۲-۱. اهمیت شعر متعهد نزد معصومین

برخلاف تصور برخی که شعر را طبق آیه شریفه «الشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ» پدیده‌ای مذموم می‌شمارند، شعر همواره جایگاه و اهمیت رفیعی نزد پیامبر (ص) و آله دارد؛ آیه شریفه فوق، درباره شاعرانی بود که با سرودن شعر از گسترش اسلام جلوگیری می‌کردند؛ اما شعر متعهد همیشه مورد توجه پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) بوده است.

پیامبر (ص) همواره شاعران را به مدح افراد نیک و ذم افراد بدسرت تشویق می‌نمود و شاعران پایبند به اصول و رسالت شعر را گرامی می‌داشتند. به عنوان نمونه، زمانی که «عمر و بن عاصم» بر پیامبر (ص) وارد شد و شعر خود را در پیشگاه ایشان خواند، فرمودند: «حَقًّا که ما را یاری نمودی، خداوند یارت باشد» (امینی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۵)؛ همچنین ایشان درباره شعر می‌فرمایند: «إِنَّ فِي الْبَيَانِ لَسِحْرًا وَإِنَّ مِنَ الشُّعْرِ لِحِكْمَةً» (عبیدی، ۲۰۰۳: ۱۹۰).

پیشوایان معصوم (ع) نیز به اشعاری که در راستای هدایت و ترویج دین و بیان حقایق و فضائل سروده می‌شد، اهمیت زیادی می‌دادند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «من قال فینا بیتاً من الشعر بنی الله له بیتاً فی الجنة» (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۱: ۵)؛ ترجمه: هر کس درباره ما یک بیت شعر بسراید، خداوند خانه‌ای در بهشت برای او بنا می‌نهد.؛ همچنین امام جواد (ع) به ابوطالب قمی که شعری درباره امام رضا (ع) نوشته بودند، فرمود: «قد أحسنت فجزاک الله خیراً اندبني واندب أبي» (کشی، بی تا: ۳۵۰)؛ ترجمه: نیکو سروده‌ای خداوند تو را جزای خیر دهد، بر من و پدرم مرثیه بگو.

۱-۱-۲. روش‌های امام رضا (ع) در دامنه‌بخشی به شعر متعهد

اشعاری که با هدف آگاهی‌بخشی به جامعه و گسترش دین اسلام سروده می‌شدند، نزد امام رضا (ع) از اهمیت بسزایی برخوردار بودند و شاعران متعهد نزد ایشان، جایگاه والایی داشتند.

۱-۱-۱-۲. اعطای صله

اعطای صله به شاعران، یکی از روش‌های معمول امام رضا (ع) بود تا آن شاعران رغبت بیشتری به سرودن شعر متعهد داشته باشند. نمونه‌های زیادی در تاریخ موجود است که امام (ع) به شاعران بابت سرودن شعر متعهد، صله می‌بخشیدند.

هارون بن عبدالله مهلبی گفت: وقتی ابراهیم بن عباس و دعبل خدمت حضرت رضا علیه السلام رسیدند که با آن جناب به ولیعهدی بیعت شده بود. دعبل این قصیده را برای حضرت رضا خواند:

مَدَارِسُ آيَاتٍ خَلَّتْ مِنْ تِلَاوَةِ
وَمَنْزِلٌ وَحْيٍ مُقْفِرُ الْعَرَصَاتِ

(الخزاعي، ۱۹۹۷: ۶۱)

(ترجمه: مدارس آیات قرآن از تلاوت خالی شده و منازل وحی الهی عاری از ساکنان خود شده است.)

ابراهیم بن عباس نیز این شعر را سرود:

أَزَالَ عَزَاءَ الْقَلْبِ بَعْدَ التَّجَلُّدِ
مَصَارِعَ أَوْلَادِ النَّبِيِّ مُحَمَّدِ

(مجلسی، ۱۳۸۰: ۲۲۶)

(ترجمه: با اعطای ولائعهدی به امام رضا (ع) تمامی مصائب اهل بیت زایل شد. و این امر در نتیجه ریخته شدن خون‌های پاک آل رسول حاصل گشت.)

امام علیه السلام به آن دو، بیست هزار درهم از سکه‌های نقره‌ای که مأمون دستور داده بود در آن وقت به نام ایشان بزنند، داد (همان: ۲۲۶).

محمد بن یحیی فارسی گفت: روزی ابو نواس چشمش به حضرت رضا علیه السلام افتاد که سوار بر قاطری تشریف می‌آورد. ابو نواس نزدیک آن جناب رفت و سلام کرد و گفت یا بن رسول الله شعری درباره شما سروده‌ام مایلم آن را گوش دهی فرمود: بخوان. وی شروع به خواندن این شعر کرد:

۱. مُطَهَّرُونَ نَقِيَّاتٍ تِيَابِهِمْ
۲. مَنْ لَمْ يَكُنْ عَلَوِيًّا حِينَ تَنَسِبُهُ
۳. فَاللَّهُ لَمَّا بَدَا خَلْقًا فَاتَّقَنَهُ
۴. وَأَنْتُمْ الْمَلَأَ الْأَعْلَى وَعِنْدَكُمْ
تَجْرِي الصَّلَاةُ عَلَيْهِمْ أَيْنَمَا ذُكِرُوا
فَمَا لَهُ مِنْ قَدِيمِ الدَّهْرِ مُفْتَخِرُ
صَفَاكُمْ وَأَصْطَفَاكُمْ أَيُّهَا الْبَشَرُ
عِلْمُ الْكِتَابِ وَمَا جَاءَتْ بِهِ السُّورُ

(همان: ۲۲۷)

(ترجمه: ۱. آل محمد، پاک و طاهرند و دامشان هم پاکیزه است. هر کجا که نام آنان برده شود، سیل صلوات و درود بر آن‌ها جاری می‌شود. ۲. هر کس به هنگام ذکر نسبش علوی نباشد، او را در زمانه فخری نیست. ۳. هنگامی که خداوند مخلوقات را ایجاد نمود و کار خلقت آن‌ها را محکم ساخت، شما را از میان تمام مردم، مصفاً اختیار کرد و برگزید. ۴. شما موجودات آسمانی هستید؛ و علم قرآن و آنچه در سوره‌های قرآن آمده است، در نزد شماست.)

حضرت رضا علیه السلام فرمود: اشعاری سروده‌ای که تاکنون سابقه ندارد فرمود: غلام! آیا پولی از مخارج ما نزد تو هست؟ عرض کرد: سیصد دینار باقیمانده. فرمود بده به ابو نواس؛ سپس فرمود: شاید کم باشد. غلام! همین قاطر را هم در اختیار او بگذار (همان: ۲۲۷).

۲-۱-۱-۲. سرودن شعر

امام رضا (ع) شاعران را به سرودن شعر تشویق می‌کردند و انگیزه آن‌ها را افزایش می‌داد. برای نمونه وقتی مأمون برای حضرت رضا علیه السلام نوشت که مرا پندی ده آن جناب در جوابش این اشعار را نوشت:

۱. إِنَّكَ فِي دُنْيَا لَهَا مِدَّةٌ	۱. يُقْبَلُ فِيهَا عَمَلُ الْعَامِلِ
۲. أَمَا تَرَى الْمَوْتَ مُحِيطًا بِهَا	۲. يُسَلَبُ مِنْهَا أَمَلُ الْأَمَلِ
۳. تُعْجَلُ الدَّنْبُ لِمَا تَشْتَهِي	۳. وَتَأْمَلُ التَّوْبَةَ حِينَ قَابِلِ
۴. وَالْمَوْتُ يَأْتِي أَهْلَهُ بَغْتَةً	۴. مَا ذَاكَ فِعْلُ الْحَازِمِ الْعَاقِلِ

(همان: ۱۰۱)

(ترجمه: ۱. به درستی که تو در دنیایی هستی که مدت مشخصی دارد و عمل آدمی در آن مدت، پذیرفته می‌شود. ۲. آیا نمی‌نگری که مرگ دنیا را احاطه کرده و آرزوی آرزومند از آن سلب می‌شود؟! ۳. در انجام هوای نفسانی و گناه شتاب می‌ورزی و توبه را به آینده موکول می‌کنی. ۴. در حالی که مرگ ناگهان سراغ اهلش می‌آید؛ این کار (تأخیر در توبه) هیچ شخص دوراندیش و عاقلی نمی‌باشد.)

۳-۱-۱-۲. گفتارهای مشوق

از دیگر روش‌هایی که امام (ع) در جهت گسترش شعر متعهد به کار می‌بستند اقوالی بود که موجب تشویق شاعران می‌شد. امام رضا (ع) می‌فرماید: «مَا قَالَ فِينَا مُؤْمِنٌ شِعْرًا يَمْدَحُنَا بِهِ إِلَّا بَنَى اللَّهُ تَعَالَى لَهُ مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ أَوْسَعَ مِنَ الدُّنْيَا سَبْعَ مَرَّاتٍ يَزُورُهُ فِيهَا كُلُّ مَلِكٍ مُقَرَّبٍ وَ كُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۷) (ترجمه: مؤمنی که درباره ما یک بیت شعر بگوید و ما را مدح کند خداوند شهری در بهشت برای او بنا می‌کند که هفت بار وسیع‌تر از دنیاست.)

بدین ترتیب، شیعیان از یکی از مهم‌ترین ابزارهای احساسی و عاطفی، یعنی ادبیات، آن‌هم قالب شعر که نقطه اوج بیان احساس است برای نشر دیدگاه‌های مذهبی خود بهره بردند. بدون تردید، شعر فارسی نیز مانند شعر عربی از آغاز فعالیت خود در قالب فارسی نو کوشیده است تا مضامین اشعار عربی و از جمله موضوع ستایشگری را در خود جای دهد و به طور طبیعی شیعیانی را که عمیقاً به اهل بیت عشق می‌ورزیدند به سرایش شعر فارسی درباره اهل بیت وادارد (جعفریان، ۱۳۸۲: ۷۸). تعهد یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر شیعی محسوب می‌شود، شعری که متضمن پیامی الهی و انسانی و هماهنگ با فطرت سلیم بشری است. (انصاری، ۱۳۹۲: ۱۶۶)

۲-۳. ارزش‌های اخلاقی

شعر متعهد به جهت دربر داشتن مضامین اخلاقی متعالی که ادیبان در حق ائمه اطهار (ع) به جا گذاشته‌اند، امتیاز ویژه‌ای دارد. شاید از مهم‌ترین ارزش‌هایی که شاعران در اشعارشان در خصوص امام علی بن موسی الرضا به آن‌ها اشاره کرده‌اند مواردی است که به ترتیب به صورت مصداقی و تحلیلی به آن‌ها پرداخته می‌شود:

۲-۳-۱. کرم

کرم، اخلاقی کهن و قدیمی است که صاحبان نفوس بزرگ، آن را شناخته و در تعاملاتشان به کار برده‌اند و به واسطه آن، سروران خویش را مدح کرده‌اند و به جهت اینکه در کرم، علو همت و ایثار وجود دارد، آن را نشانه بزرگی و فخر می‌شمارند. کرم، از عادات سروران و سرشت‌های آزادگان و بارزترین اخلاق اجتماعی امام رضا (ع) می‌باشد. به طوری که هیچ کاری را همچون احسان به مردم، دوست نداشت و به هر فقیری در حدّ توان خود کمک می‌کرد (ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۴: ۳۶۰).

در نامه‌ای که امام رضا (ع) به فرزندش امام جواد (ع) نوشته است، روح سخا و بخشش که در نفوس اهل بیت راسخ و ریشه‌دار است برای ما مجسم می‌شود. بنظری می‌گوید: «نامه امام رضا (ع) را به امام جواد (ع) که به این شرح بود خواندم: ای ابا جعفر به من خبر رسیده، هنگامی که بر مرکب سوار می‌شوی غلامان تو را از در کوچک می‌برند و این از بخل آن‌ها است تا خیری از توبه کسی نرسد به حقّی که بر گردن تو دارم از تو می‌خواهم که ورود و خروج تو از در بزرگ باشد و زمانی که سوار می‌شوی با خود درهم و دینار بردار و به هر کسی که از تو خواست بده ... پس بخشش کن و از تنگدستی بیمناک نباش.» (انصاریان، ۱۳۸۴: ۴۵۸)

دعبل خزاعی بخشش و سخاوت‌مندی امام رضا (ع) را چنین وصف می‌کند:

فَيَا وَفَدَّ النَّدَى! عُوذُوا خِفَافَ الدِّ
حَقَائِبِ لَا تَلِيدُ وَلَا طَرِيفُ

(الخزاعي، ۱۹۹۷: ۱۳۳)

(ترجمه: ای جویندگان بخشش و کرامت! با چمدان‌های خالی و سبک بازگردید، زیرا با رحلت امام رضا (ع) که معدن بخشش و بزرگواری بود دیگر کسی نیست که به شما کمک کند.)

لَهُ سَمَاءٌ تَعُدُّوا كُلَّ يَوْمٍ
بِنَائِلِهِ وَسَارِيَّةٌ تَطُوفُ

(همان: ۱۳۳)

(ترجمه: امام رضا (ع) دستان کریم و بخشنده‌ای دارد که همچون ابرهایی پرباران در طول شبانه‌روز تا صبح می‌بارد.)

عبد الغفار الأخرس در ابیات زیر به زیبایی از کرم امام رضا (ع) یاد می‌کند:

۱. عَلِيُّ الرَّضَا مُشْرِفِي الْقَضَا
وَعَيْثُ الْعَطَاءِ غِيَاثُ الْأُمَمِ
۲. قَرِيبُ النَّوَالِ مُجِيبُ السُّؤَالِ
مَنْبِغُ الْمَنَالِ رَفِيعُ الْهَمَمِ
۳. جَزِيلُ النَّوَابِ مَجِيدُ الصَّرَابِ
شَدِيدُ الْعِقَابِ إِذَا مَا انْتَقَمِ

(الأخرس، ۲۰۰۸: ۹۹)

(ترجمه: ۱. داوری و حکم امام رضا (ع) قاطعانه است و ایشان باران بخشش است و پناه ملت‌ها. ۲. بخشش او نزدیک است و اجابت‌کننده درخواست است در عین حال به آسانی به دست نمی‌آید و بلندهمت است. ۳. پاداشش فراوان است و او رزمنده‌ای ماهر است که هرگاه بخواهد انتقام بگیرد، شدید العقاب است و سخت انتقام می‌گیرد.)

شاعر در این ابیات، صفت بخشندگی امام رضا (ع) را در قالب واژگانی چون غیث العطاء، قریب النّوال و مجیب السّؤال، بیان می‌کند و در بیت اول، امام (ع) را از جهت کثرت بخشش به باران بخشش و عطا تشبیه می‌کند و همچنین در بیان کرم آن حضرت از صنعت بلاغی جناس بهره می‌جوید به طوری که با اطلاق واژه «غیث» به کرم ایشان و «غیاث» به یاری‌رسانی آن حضرت، میان این دو واژه جناس ناقص برقرار می‌کند؛ و در بیت دوم، عطای آن حضرت را دور از دسترس نمی‌داند و بخشش ایشان را سهل الوصول معرفی می‌کند.

شاعر عمانی، محمد بن شیخان از شاعرانی است که در اشعار خود صفت پسندیده کرم امام رضا (ع) را ستوده است:

- | | |
|---|--|
| ۱. وَحَمَّالٌ أَعْبَاءِ التَّكَالِيفِ فِي السُّورَى | قَلِيلٌ وَقَلَّ الشُّكْرُ فِي زَمَنِ عَدَا |
| ۲. وَقَلَّ الرِّجَالُ الكَامِلُونَ وَمِنْهُمْ | عَلِيُّ بْنُ مُوسَى فَايِضُ الجُودِ وَالتَّنَدَى |
| ۳. تَفِيضٌ يَدَاهُ بِالْجَمِيلِ فَأَصْبَحَتْ | أَيَادِيهِ جُوداً تَفْضُحُ البَحْرَ مُزْبِداً |
| ۴. تَرَى النَّاسَ أَفْوَاجاً إِلَى بَابِ دَارِهِ | يُلَاقُونَ مَرْعَى أَوْ يُؤَافُونَ مَوْرِدَاً |
| ۵. تَعَوَّدَ فِعْلُ الحَيْرِ حَتَّى تَزَا حَمْتُ | عَلَيْهِ مَسَاعِي النَّاسِ مَثْنَى وَمَوْحِداً |
| ۶. وَفَيْضَ وَادِي الحَيْرِ وَالبَرَكَاتِ مِنْ | يَدَيْهِ فَأَضْحَى فِي المَحَاسِنِ مُفْرِداً |

(طه عبده، ۱۹۵۶: ۴۷)

(ترجمه: ۱. به دوش کشندگان بار مسئولیت در میان بشر اندک هستند و به هنگام دشمنی سپاس کم می‌شود. ۲. مردان کامل، کم شده‌اند و از میان آن‌ها علی بن موسی است که جود و بخشش فراوان دارد. ۳. دستان او سرشار از کار نیک است و دستانش به جهت کثرت بخشش، دریای متلاطم را رسوا می‌سازد. ۴. گروه گروه از مردم را می‌بینی که سوی خانه‌اش سرازیر هستند و به آبخشور نعمت‌ها دست می‌یابند. ۵. به انجام کارهای نیک عادت نموده است به طوری که مردم به صورت گروه گروه و فرد به فرد بر او ازدحام کرده‌اند؛ ۶. وادی نیکی و برکات از دستانش پر شده است؛ بنابراین او در نیکوکاری‌ها بی‌بدیل گشت.)

با دقت نظر در ابیات فوق، کرم حضرت رضا (ع) بیشتر خودنمایی می‌کند. شاعر، امام رضا (ع) را برطرف‌کننده گرفتاری‌ها از مردم معرفی می‌کند و ایشان را انسان کامل محسوب کرده و به طور ضمنی کامل بودن آن حضرت را در یاری‌رسانی و جود و کرم ایشان می‌داند.

شاعر با بیانی ادبی، دستان مبارک امام رضا (ع) را پر از زیبایی وصف می‌کند و این زیبایی را در جود و کرم ایشان منحصر می‌کند به طوری که دستان مبارک ایشان به جهت وفور بخشش، دریای مواج را که خود نماد و سمبل بخشندگی است، شرمسار می‌کند؛ و همچنین بخشش و عادت ایشان به انجام کار خیر را عامل سرازیر شدن مردم به سوی آن حضرت می‌داند که به صورت گروهی و فردی به زیارت ایشان می‌شتابند.

در نهایت، در بیت آخر فیض وادی خیر و برکات را محدود به دستان مبارک ایشان می‌نماید؛ و کرم و بخشش را از جمله ویژگی‌هایی برمی‌شمارد که امام علی بن موسی الرضا (ع) را در نکویی‌ها بی‌نظیر ساخته است.

ابو فراس حمدانی در قصیده‌ای ضمن ابراز تشییع خود، به کرم و یاری‌رسانی امام رضا (ع) اشاره می‌کند و ایشان را وسیله نجات از تمامی ناملايمات معرفی می‌کند:

۱. لَسْتُ أَزْجُو النَّجَاةَ مِنْ كُلِّ مَا أَخَى
شَاهُ إِلَّا بِأَحْمَدَ وَعَلِيٍّ...
۲. وَإِنَّهُ جَعْفَرٌ وَمُوسَى وَمَوْلَا
نَا عَلِيٍّ أَكْرَمَ بِهِ مِنْ عَلِيٍّ

(الحمدايي، ۱۹۸۲: ۱۸۸)

(ترجمه: ۱. رهایی از هر آنچه بیم دارم را تنها از احمد و علی آرزو می‌کنم ۲. و فرزندش جعفر و موسی و سرورمان علی بن موسی که کرشم شگفت‌انگیز است.)

ابن المشبع المدنی که او را ابن شهر آشوب از شاعران اهل بیت علیهم السلام بر شمرده است، در رثای امام رضا (ع) از کرم آن حضرت در قالب اسالیب بیانی سخن می‌گوید. شاعر به واسطه جان‌بخشی (استعاره مکنیه) به واژه «التدی»، آن را در قالب موجودی زنده عرضه می‌دارد که مرگ آن مترتب به مرگ امام رضا (ع) شده است:

۱. يَا بُقْعَةَ مَاتَ بِهَا سَيِّدِي
مَا مِثْلُهُ فِي النَّاسِ مِنْ سَيِّدٍ
۲. مَاتَ الْهُدَى مِنْ بَعْدِهِ وَالتَّدَى
وَشَكَرَ الْمَوْتُ بِهِ يَفْتَدِي

(صدوق، ۱۳۶۳، ج ۲: ۲۵۴)

(ترجمه: ۱. ای زمینی که سرورم در آن رحل بر بسته! در میان مردم مهتری همانند او نیست. ۲. پس از او هدایت و بخششگری از بین رفت و مرگ شتاب کرد و بر او پیشی گرفت.)

همچنین در ادامه «غیث» (باران) را استعاره از امام رضا (ع) می‌آورد و ایشان را عین باران می‌داند که با کرم و بخشش خود همگان را سیراب می‌سازد:

۱. لَا زَالَ غَيْثُ اللَّهِ يَا قَبْرَهُ
عَلَيْكَ مِنْهُ رَائِحاً مُغْتَدِي
۲. كَانَ لَنَا غَيْثاً بِهِ نَرْتَوِي
وَكَانَ كَالْتَّجْمِ بِهِ نَهْتَدِي
۳. إِنَّ عَلِيًّا ابْنَ مُوسَى الرِّضَا
قَدْ خَلَّ وَالسُّؤْدُودُ فِي مَلْحَدِي

(همان، ج ۲: ۲۵۴)

(ترجمه: ۱. ای قبر امام پیوسته باران رحمت خداوند بامدادان و شبانگاهان بر تو باد ۲. چه آن بزرگوار در میان ما چون بارانی بود که همیشه از آن سیراب می‌شدیم و او چون ستاره ای بود که بواسطه او هدایت می‌یافتیم ۳. همانا علی بن موسی الرضا (ع) به تحقیق وفات یافت و بزرگی در قبر پنهان شد و قبر آن بزرگ را پوشید.)
موسوی گرمارودی، علی بن موسی الرضا را مایه کرم و بخشش می‌داند و بخشش او را مساوی بخشش خداوند می‌داند که همه موجودات را فرامی‌گیرد و حتی کرم آن بزرگوار، به سیاره‌های دیگر نیز می‌رسد:

بخشش تو / اعطای خداوند سبحان است / وقتی تو می‌بخشی / دست مریخ نیز به سوی سقاخانهات دراز

است. (موسوی گرمارودی، ۱۳۶۳: ۵۵)

واعظ قزوینی کرم امام رضا (ع) را به دفتر بزرگی تشبیه می‌کند که «سحاب» (ابر) را برگی از آن دفتر می‌داند که سراسر در حال بخشش است و نیستی به ساحت آن راه ندارد؛ چراکه سطور آن دفتر، ابر است و نقطه‌های آن، باران ریزان:

ز دفتر کرم او سحاب یک ورق است که سطرش از رگ ابر است و نقطه‌اش باران
(قزوینی، ۱۳۵۹: ۵۱۴)

محمود بن یمین الدّین محمد طغرائی معروف به ابن یمین فریومدی شاعر پارسی‌گوی قرن هفتم هجری در وصف کرم امام رضا (ع) به تضمین آیه ۱ سوره انسان پرداخته و بخشنده بودن ایشان را برای مخاطب، به صورت مستند بیان می‌کند:

دُرّ دریای فتوت، گوهر کان حرم آنکه شرح جود آباء کرامش هل اتی است
(فریومدی، ۱۳۴۴: ۳۳)

همچنین فرّخی، امام رضا (ع) را پادشاه جود و معدن دست و دل بازی می‌داند و ایشان را مراد آیه و الشمس، برمی‌شمارد:

آن پادشاه جود آن معدن سخا منظور آیه و الشمس والضحی
(فرّخی، ۱۳۶۰: ۲۹۷)

حزین لاهیجی نیز همچون فرّخی، امام (ع) را معدن جود و کرم معرفی می‌کند:

جان جهان امام امم معدن کرم کز فیض خلق او همه عالم ختن شود
(لاهیجی، ۱۳۷۴: ۵۹۶)

میرزا محمد علی، متخلص به صائب تبریزی که از بزرگ‌ترین غزل‌سرایان قرن یازدهم هجری است، در وصف کرم و جود امام رضا (ع) چنین می‌گوید:

جودش به شیر پرده دهد طعمه سخا عفوش کشد به روی خطا پرده صواب
(تبریزی، ۱۳۸۴: ۱۳۷۲)

صائب در این بیت، ضمن بیان عفو و بخشش امام رضا (ع)، کرم ایشان را به حیوانات توصیف می‌کند و جنس طعمه‌هایی را که به شیر پرده می‌دهد از جنس سخا و کرم می‌داند.

ابن یمین به صورت واضح بیان می‌کند که برطرف نمودن حاجت انسان‌ها و کرم و بخشش از خصوصیات اخلاقی شما است:

ای جنابت قبله حاجات ارباب نیاز
حاجتی کاینجا رود معروض، بی شبهت رواست
حاجت ابن یمین را هم روا کن بهر آنک
حاجت خلقان روا کردن ز اخلاق شماست

(فریومدی، ۱۳۴۴: ۳۵)

شاعر در ابیات فوق، امام رضا (ع) را قبله‌ای توصیف می‌کند که به هنگام نیاز تمامی نیازمندان رو به سوی او می‌نهد؛ چرا که نیک می‌داند، هر حاجتی که از محضر آن بزرگ‌زاده طلب شود بدون تردید برطرف خواهند نمود و این خصیصه را از اخلاق امام (ع) محسوب می‌کند.

۲-۳-۲. صداقت

صداقت و راستی به عنوان یکی از بنیادهای اخلاق اجتماعی نقش بسزایی در هدایت جامعه و سلامت تعامل افراد آن دارد، به طوری که با از بین رفتن صداقت، جامعه به فساد روی می‌آورد. صداقت و راستی امام رضا (ع) به عنوان صفتی راسخ و الگویی برتر، در وجود آن بزرگوار، می‌تواند راهگشای مسیر زندگی اجتماعی بشر امروز باشد. شاعران با طبع لطیفشان از این ویژگی و صفت امام غافل نبوده‌اند و آن را به وضوح در شعر خود گنجانده‌اند.

عبد الغفار الاخرس در خصوص راستی و صداقت امام رضا (ع) چنین سروده است:

فَفِي مِثْلِ صِدْقِ عَلِيِّ الرِّضَا
تَبْلُجُ صُبْحُ الرِّضَا وَائْتَسِمُ

(الأخرس، ۲۰۰۸: ۱۰۰)

(ترجمه: همچون راستی علی الرضا، صبح رضا روشن شد و گشاده‌روی گشت.)

عبدالمنعم الفرطوسی (متوفی ۱۴۰۴) شاعر معاصر عراقی که در حبّ اهل‌بیت علیهم السّلام اشعار فراوانی از خود به یادگار گذاشته است، در ملحمه زیر که در آن ائمه اطهار را یاد می‌کند، بر صداقت و راست‌گفتاری ایشان تأکید می‌کند؛ و در بیان این خصیصه اخلاقی، از کاربرد صنعت بلاغی استعاره مکئنه غفلت نمی‌ورزد، به طوری که صداقت را استعاره از انسان می‌آورد و زبان را که یکی از لوازم آن می‌باشد ذکر نموده و ائمه اطهار را به عنوان زبان صداقت توصیف می‌کند:

۱. وَحَيَاةِ السَّبْطَيْنِ بَعْدَ عَلِيٍّ
وَالْيُسُولِ الصِّدِّيقَةِ الرَّهْرَاءِ
۲. وَعَلِيِّ وَبَاقِرِ الْعِلْمِ وَالصَّامِ
دِقِّ قَوْلًا وَكَطَائِمِ الْمُصْلِحَاءِ
۳. وَالرِّضَا وَالْجَوَادِ ثُمَّ عَلِيٍّ
وَأَبْنِهِ ثُمَّ قَاتِمِ الْأَمْوَاءِ
۴. أَهْلُ بَيْتِ الْهُدَى أَيْمَةُ حَقِّ
أَلْسُنِ الصِّدْقِ خَيْرَةُ الْأَوْلِيَاءِ

(الفرطوسی، ۱۹۸۶، ج ۱: ۱۱)

(ترجمه: ۱. قسم به جان امام حسن و امام حسین بعد از علی و زهرای صدیقه ۲. و علی و باقر العلم و قسم به جان امام صادق و کاظم صالحین ۳. و قسم به رضا و جواد سپس قسم به علی و فرزندش و قسم به قائم امانتداران، ۴. اهل بیت هدایت پیشوایان حق و زبان راستی و بهترین سروران هستند.)

عطار تونی، شاعر قرن نهم در اثر معروف خود *مظهر العجائب*، فضائل اخلاقی امام رضا (ع) را به خوبی به تصویر می کشد و به بُعد اخلاقی صداقت و راست گفتاری آن حضرت چنین صحنه می گذارد:
معنی اوّل که صدق اولیاست در جهان می دان علی موسی الرضاست
(عطار نیشابوری، ۱۳۴۵: ۲۲۳)

این یمین در قصیده‌ای با مطلع ذیل به مدح امام رضا (ع) می پردازد:

گوهرافشان کن ز جان ای دل که می دانی چه جاست مهبط نور الهی روضه پاک رضاست
ایشان قبه منور امام رضا (ع) را مرکز صدق و درست کاری می داند:

قبه پر نورش از رفعت سپهر دیگرست و اندرو ذات پر انوارش چو مهر اندر سماست
رفعت گردون گردان دارد آنگه بر سری مجمع تقوی و عصمت مرکز صدق و صفاست
(فریومدی، ۱۳۴۴: ۳۴)

۲-۳-۳. حسن خلق

حسن خلق یکی از مهم ترین ابزارهای تزکیه نفس و تربیت مردم و تعالی اخلاقی آنان است. در تفسیر نمونه در تعریف حسن خلق آمده است: «حسن خلق به معنای خاص، آن است که با گشاده رویی و چهره شاد و زبان نرم و ملایم روبه رو شود و یکی از فضایل اخلاقی است که در روابط اجتماعی فوق العاده مؤثر است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۱۳۵) امام رضا (ع) به سبب دارا بودن این صفت والای اخلاقی، دوستی خاص و عام را به خود جلب نموده است و ضمن توصیه و تأکید به نیک رفتاری و خوش خلقی در اهمیت این مسأله می فرماید: «حَسَنُ الْخُلُقِ خَيْرُ فَرِينٍ» (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۱: ۴۵) (ترجمه: خوش خلقی، بهترین دوست است.) در حقیقت، حسن خلق عامل بهزیستی و سبب تحکیم روابط اجتماعی می شود؛ زیرا انسان ها را به ادراک و احترام متقابل وامی دارد و در جامعه باعث مهر و محبت می شود و در نتیجه به زندگی گرمی و نشاط می بخشد.

بسیاری از شاعران و نویسندگان نیز توجهی خاص به خوش خلقی داشته اند. حافظ شیرازی شاعر توانای قرن هشتم در این باره می سراید:

به خُلق و لطف توان کرد صید اهل نظر به دام و دانه نگیرند مرغ دانارا

(حافظ، ۱۳۸۳: ۳)

عبد الغفار الأخرس رأفت و مهربانی و حسن خلق امام را همچون غاری می‌داند که افراد ترسان بدان پناه می‌برند و به واسطه آن از حوادث ناگوار در امان می‌مانند:

۱. تَلُوذُ بِرَأْفَتِهِ الْخَائِفُونَ فَتَأْمَنُ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ مُهِمِّ
۲. وَمَنْ كَانَ بَاباً لِنَيْلِ الْمُرَادِ فَلَا شَكَّ فِي بَابِهِ الْمُرْدَحِمِ

(الأخرس، ۲۰۰۸: ۱۰۱)

(ترجمه: ۱. افراد وحشت‌زده و هراسان، به مهربانی و رأفت او پناه می‌برند و رأفتش از هر حادثه هولناکی در امان می‌دارد؛ ۲. هرکس دری برای برآوردن مقصود و مراد باشد لاجرم آستانش مملو از حاجتمندان می‌شود.)
شاعر عارف و نامدار، حزین لاهیجی در ابیات ذیل از اخلاق خوش امام رضا (ع) سخن می‌گوید:

گر از باغ خلق تو یک ره شمیمی گذاری به این خاک اغبر نماید
مزاج هوارا کند عنبر آسا بسیط زمین مشک اذفر نماید
به خون دل کبک سرعت غافل اگر لاله در کوه محضر نماید

(لاهیجی، ۱۳۷۴: ۶۰۰)

شاعر در ابیات فوق، اخلاق امام رضا (ع) را به باغی تشبیه می‌کند که نسیم خوش و بوی آن، آسمان و زمین را پر از بوی عنبر و مشک می‌کند. در واقع شاعر با این بیان می‌خواهد ابراز نماید که اخلاق آن حضرت برای همگان خوشایند است؛ چرا که بوی خوش عنبر و مشک مورد پسند همه است.

گرمارودی در حسن خلق و مهر امام مهربانی‌ها چنین سروده است:

سپاه مهرت را بگو/ نیم‌نگاهی به جای مورچگان بیفکند/ تو امامی/ هستی با تو قیام می‌کند/ درختان به تو اقتدا می‌کنند/ کائنات به نماز تو ایستاده/ و مهربانی/ تکبیر گوی توست (موسوی گرمارودی، ۱۳۶۳:

۵۶-۵۷)

شاعر با طبع لطیف خویش با استفاده از صنعت تشخیص به وصف مهر علی بن موسی الرضا (ع) می‌پردازد، به طوری که مهر ایشان را به سان افرادی در نظر می‌گیرد که سپاهی را تشکیل داده‌اند و استفاده از این صنعت به زیاد بودن مهر آن حضرت تأکید بیشتری می‌کند؛ و به جهت مهر و اخلاق

زیبای امام (ع) طبیعت به ایشان اقتدا می‌کند و او را امام خویش قرار داده و با او در صف نمازی می‌ایستند که مکبر آن مهربانی است.

میرزا داراب بیگ «جویا» از سخنوران سده یازدهم هجری است به روشنی از حسن خلق امام رضا (ع) سخن می‌گوید و در بیان این صفت از صنعت بلاغی تشبیه ضمنی بهره می‌جوید به طوری که مصراع دوم بیت زیر را به عنوان دلیلی بر امکان وجود مشبه می‌آورد:

مجوز پاک گهر جز نکویی اخلاق ندیده است کسی بر جبین آینه چین
(احمدی بیرجندی و نقوی‌زاده، ۱۳۷۷: ۷۸)

۲-۳-۴. تواضع و فروتنی

امامان معصوم علیهم السلام همواره در زندگی سرمشق دیگران بودند و به مردم درس زندگی آموختند. آن‌ها خود را از مردم جدا نمی‌کردند، به روش جباران زندگی نمی‌کردند و به کسی بی‌اعتنایی نمی‌کردند. صدوق از قول ابراهیم بن عباس، چنین می‌نویسد: هرگز ندیدم که امام رضا (ع) در سخن به کسی جفا ورزد و سخن کسی را پیش از تمام شدن قطع نماید. حضرت در حضور دیگران پایش را دراز نمی‌کرد چون سفره غذا می‌انداختند خدمتکاران را سر سفره غذا دعوت می‌نمود و با آن‌ها غذا می‌خورد. شب‌ها پس از استراحت بیدار می‌شد و به عبادت خدا مشغول می‌شد و مانند نیاکانش نیمه‌های شب غذا را برمی‌داشت و به خانه مستمندان می‌برد. (آیت‌اللهی، ۱۳۷۴: ۴)

فروتنی امام رضا (ع) نیز به عنوان یکی دیگر از اخلاق اجتماعی ایشان قابل ستایش است؛ و روایات مختلفی در این زمینه نقل شده است. اوج فروتنی و مردم‌داری امام را از این گزارش تاریخی می‌توان دریافت که مردی در حمام از آن حضرت خواست تا بدن او را مالش دهد و امام با فروتنی پذیرفت؛ هنگامی که دیگران آن مرد را متوجه کردند و او امام را شناخت، با اضطراب و پریشانی پوزش طلبید؛ اما آن حضرت با ادامه کار خود، آن مرد را در مقابل شماتت دیگران دلداری می‌داد. (ابن شهر آشوب، بی‌تا، ج ۴: ۳۶۲) اشعار متعدّد نیز به خوبی بدان پرداخته‌اند. چنین الگوی رفتاری، بازتاب روشنی از این آموزه دینی است که تمام انسان‌ها با یکدیگر برابر بوده و برتری، تنها با معیار تقوا به دست می‌آید.

ابن عباس می‌گوید زمانی که امام سفره‌ای را پهن می‌کردند تمامی خدام و حتی پرورش‌دهندگان اسبان و دربانان با ایشان بر سر یک سفره می‌نشستند؛ و به این بُعد اخلاقی ایشان چنین اشاره می‌نماید:

۱. لَيْسَتْ بِالْعَمَّةِ تَوْبَ الْغِنَى
وَصِرْتُ أَمْشِي سَامِعَ الرَّأْسِ
۲. لَسْتُ إِلَى التَّسْنَسِ مُسْتَأْنَسًا
لَكَيْنِي آنَسُ بِالْأَسِ
۳. إِذَا رَأَيْتُ الْيَتِيمَ مِنْ ذِي الْغِنَى
تَهْتُ عَلَيَّ التَّائِبُ بِالْيَأْسِ
۴. مَا إِنْ تَفَاخَرْتُ عَلَيَّ مُعَدِّمٍ
وَلَا تَضَعُضَعْتُ لِإِفْلَاسِ

(همان، ج ۴: ۳۶۱)

(ترجمه: ۱. با عفت و پاکی لباس بی‌نیازی پوشیدم و سرافراز در میان مردم راه می‌روم. ۲. با آدم‌نماها هرگز انس و الفت نمی‌گیرم، ولی با انسان‌ها انس می‌گیرم. ۳. هنگامی که غرور و تکبر از صاحب ثروت دیدم، با اظهار نیاز نکردن نزد او تکبر و غرور او را شکستم. ۴. بر آن کس که نادار است هرگز فخر نکردم و به خاطر ناداری هرگز خضوع و تواضع نزد ثروتمندان نمودم).

شاعر در این ابیات امام را پاکدامن و عقیف و سربلند می‌داند و او را یاری‌رسان خلایق برمی‌شمارد. یکی از صفات برجسته امام رضا (ع) مواسات و همدردی با محرومان جامعه بود؛ و طی زیارت آن حضرت این خصیصه بزرگ اخلاقی او مطرح شده و به ایشان چنین خطاب می‌شود: «السَّلَامُ عَلَيَّ غَوْثُ اللَّهْفَانِ وَمَنْ صَارَتْ بِهِ أَرْضُ خُرَّاسَانَ.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۹: ۵۳) (ترجمه: درود بر چاره‌ساز و فریادرس بیچارگان و آن کسی که سرزمین خراسان به برکت وجودش به‌سان خورشید تابان جلوه‌گر گشته است)

حزین لاهیجی درباره فروتنی امام چنین می‌گوید:

تویی آنکه هنگام مسکین‌نوازی
کفت کافیسست خاک رازر نماید
به رنگ سلام از ره بی‌نیازی
گدای درش رد گوهر نماید

(لاهیجی، ۱۳۷۴: ۶۰۰)

۲-۳-۵. عدالت

عبد الغفار الاخرس درباره صفت عدالت و تجلی آن در گفتار و کردار امام (ع) می‌گوید:

وَفِي عَدْلٍ هَذَا الْمَلِيكَ الْعَظِيمِ
نَجَاةُ الرَّعِيَّةِ مِنْ كُلِّ غَمٍّ

(الأخرس، ۲۰۰۸: ۱۰۰)

(ترجمه: نجات رعیت از هر غم و اندوهی در عدالت این پادشاه عظیم است).

شاعر در مصراع اول، عدل را با ملیک جمع نموده است. امام رضا (ع) را ضمن اینکه پادشاه می‌داند، عدالت او را سبب نجات و رهایی افراد طبقه پایین جامعه از غم و اندوهی می‌داند که به واسطه ظلم حاکمان، آنها را فرا گرفته است. در حالی که اغلب پادشاهان عادل نیستند و بیشتر از اینکه با رعیت با عدالت رفتار کنند به آنها ستم می‌کنند.

محمود خان دنبلی متخلص به «خاور»، در خصوص عدالت امام رضا (ع) چنین می‌سراید:

اختر برج عطا گوهر دُرُج سخا وارث موسی، رضا آنکه علی شد به نام
داشته از باس او قلب فتن اضطراب یافته از عدل او کار جهان انتظام
از توبه عالم شده بازوی ایمان قوی یافته از عدل تو دین پیمبر قوام

(احمدی و نقوی‌زاده، ۱۳۷۷: ۱۰۰)

شاعر در ابیات فوق به وضوح از عدالت امام رضا (ع) سخن به میان می‌آورد و آن را در دو امر مهم کارساز می‌داند. یکی اینکه سامان‌یابی امور جهان را مدیون عدالت امام رضا (ع) می‌داند و دیگر اینکه عدالت ایشان را عامل قوام و پایداری دین پیامبر یعنی دین مبین اسلام، توصیف می‌کند.

محمد حسین اصفهانی متخلص به «صفا» شاعر قرن سیزدهم در قصیده‌ای در باب منقبت امام علی بن موسی الرضا، از عدالت ایشان سخن می‌گوید و عنوان «ملک دادگر» را بر آن حضرت اطلاق می‌کند:

ساری قصیده خواند در پیشگاه گل چون مرغ روح من که ستایشگر رضاست
فرمانده قدر ملک‌الملک دادگر شاه رضا که مقتدر ملکت قضاست

(اصفهانی، ۱۳۳۷: ۸۵)

قآنی شاعر نامدار عهد قاجار، از سجایای نیک امام رضا (ع) غافل نبوده و در قصیده‌ای با مطلع زیر به عدالت ایشان پرداخته است:

به گردون تیره ابری بامدادان برشد از دریا جواهرخیز و گوهرریز و گوهریز و گوهرزا
زمان را عدل او زیور جهان را ذات او مفخر زمان را او زمان‌پرور جهان را او جهان‌پیرا

(قآنی، ۱۲۷۷: ۴۰)

شاعر با توجه به آموخته‌ها و نقل‌های روایی و تاریخی، در قصیده مذکور به وصف شخصیت امام رضا (ع) می‌پردازد و یکی از ویژگی‌های برجسته ایشان را عدل و انصاف برمی‌شمارد که محدود به مکان نیست بلکه در زمان نیز جاری است؛ و عدالت ایشان را همچون جواهری می‌داند که به زمانه زینت می‌دهد.

بنابراین، ادب اسلامی با این مفاهیم اجتماعی سازگاری داشته است و رابطه میان ادب و زندگی، یا ادب و جامعه رابطه آشکاری در اندیشه ادیب مسلمانی است که ابعاد رسالت خویش را درک کرده و

به همبستگی عمیق میان مبادی اسلامی و حرکت زندگی بر مدار زندگی پی برده است. (ر.ک: لفته حافظ، ۲۰۱۲: ۴۷۲)

شعر متعهد عربی و فارسی مملو از تعبیری است که به بیان خصیصه‌ها و سجایای اخلاقی ائمه معصومین علیهم السلام پرداخته است که در این میان اشعار زیادی در هر دو زبان فارسی و عربی در خصوص امام علی بن موسی الرضا (ع) در اطوار مختلف به یادگار مانده است که هر مصراع و بیت آن می‌تواند ابعاد گوناگون شخصیتی آن بزرگوار را برای ما تبیین نماید، در واقع شعر می‌تواند در کنار روایات و نقل تاریخی، شخصیت امام رضا (ع) را برای نسل امروز بازگو نماید. همان‌طور که ملاحظه گردید؛ این مقاله با استمداد از شعر عربی و فارسی توانست به تناسب و فراخور حجم بحث، برخی از مبانی اخلاق اجتماعی آن حضرت را به تصویر کشاند؛ بنابراین در پایان به دوستان پژوهش در ادب تطبیقی و مریدان ائمه اطهار علیهم السلام پیشنهاد می‌گردد به واسطه ادب تطبیقی که بنیه آن میان ادبیات فارسی و عربی به دوره‌های قبل از اسلام بازگشت دارد (محسنی نیا، ۱۳۸۹: ۱۰۰)، به سایر ابعاد شخصیتی امام رضا (ع) از جمله اعتقادی، سیاسی، فرهنگی و... پردازند؛ چراکه شعر و ادبیات به جهت برخورداری از عاطفه و خیال می‌تواند در معرفی شخصیت آن بزرگواران، در حس و عقل مخاطب نفوذ بیشتری یابد و به الگوپردازی شخصیت اهل بیت علیهم السلام در جامعه اسلامی یاری رساند.

۳. نتیجه

۱. اخلاق اجتماعی امام رضا (ع) در شعر، به یک دوره و یا در یک زبان خاص خلاصه نمی‌شود، بلکه از دوره عباسی تا دوره معاصر در زبان‌های گوناگون از جمله عربی و فارسی قابل ملاحظه است.
۲. شاعران هر دو زبان، در اغراض مختلف شعری همچون: مدح، رثاء، فخر، وصف و... از ذکر اخلاق متعالی امام رضا (ع) غافل نبوده‌اند.
۳. امام رضا (ع) جامع تمامی فضائل و ارزش‌های اخلاقی می‌باشد اما عمده‌ترین بنیان‌های اخلاق اجتماعی ایشان که از شعر عربی و فارسی استخراج گردید عبارتند از: کرم، حسن خلق، صداقت، فروتنی و عدالت.
۴. یکی از ویژگی‌ها و اخلاق اجتماعی امام (ع) که به وفور در آثار شاعران هر دو زبان ملاحظه گردید، اصل اخلاقی کرم و بخشش است که بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت؛ یکی از بارزترین سجه اخلاقی آن بزرگوار که بعد اجتماعی دارد، کرم و سخاوتمندی ایشان است و آن به جهت تأکید امام رضا (ع) بر بخشش و سخاوتمندی در گفتار و کردارشان می‌باشد.

کتابنامه

الف: کتاب‌ها

X قرآن کریم.

۱. آیت‌اللّٰهی، سید مهدی (۱۳۷۴)؛ آشنایی با معصومین، تهران: جهان‌آرا.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸)؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، چاپ اول، تهران: جهان.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (بی‌تا)؛ مناقب آل ابی طالب، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، قم: علامه.
۴. احمدی بیرجندی، احمد و سید علی نقوی زاده (۱۳۷۷)؛ مدایح رضوی در شعر فارسی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی

© 2014 by the author. All rights reserved.

۵. اصفهانی، محمد حسین (۱۳۳۷)؛ دیوان، به کوشش سهیلی خوانساری، تهران: اقبال و شرکاء.

۶. انصاریان، حسین (۱۳۸۴)؛ اهل بیت عرشیان فرش نشین، چاپ دوم، قم: دار العرفان.

۷. تبریزی، صائب (۱۳۸۴)؛ دیوان صائب تبریزی، به اهتمام جهانگیر منصور، چاپ چهارم، تهران: نگاه.

۸. حافظ، شمس الدین محمد (۱۳۸۳)؛ دیوان حافظ، تهران: میلاد.

۹. صدوق، محمد بن علی حسین (۱۳۶۳)؛ عیون أخبار الرضا، تصحیح سید مهدی حسینی، قم: کتاب‌فروشی

طوس.

۱۰. عطّار نیشابوری، فرید الدّین (۱۳۴۵)؛ مظهر الجناب، تصحیح احمد خوشنویس، تهران: کتابخانه سنایی.

۱۱. فرخی، محمد (۱۳۶۰)؛ دیوان، تحقیق حسین مسرت، چاپ اول، تهران: دید آور.

۱۲. فریومدی، ابن یمن (۱۳۴۴)؛ دیوان اشعار، به تصحیح حسینعلی باستانی‌راد، تهران: سنایی.

۱۳. قانّی، حبیب‌الله بن محمد علی (۱۲۷۷)؛ دیوان حکیم قانّی، به کوشش محمدصادق صاحب بن آقا میرزای شیرازی، بمبئی: عبدالغفور

۲۱. قزوینی، واعظ (۱۳۵۹)؛ دیوان، تحقیق: سید حسن سادات ناصری، تهران: علی اکبر علمی.
۲۲. کشی، ابو عمرو محمد بن عبدالعزیز (بی تا)؛ رجال، کربلا: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۳. لاهیجی، حزین (۱۳۷۴)؛ دیوان حزین لاهیجی، به تصحیح ذبیح الله صاحبکار، چاپ اول، تهران: سایه.
۲۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)؛ بحار الأنوار، مصحح جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۲۵. ----- (۱۳۸۰)؛ زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا (ترجمه بحار الأنوار)، ترجمه موسی خسروی، تهران: اسلامیة.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲)؛ تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۷. موسوی گرمارودی، علی (۱۳۶۳)؛ خط خون، تهران: زوآر.

ب: مجلات

۲۸. انصاری، نرگس (۱۳۹۲)؛ «شعر شیعی فارسی و عربی در گذر تاریخ»، فصلنامه ادبیات دینی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، شماره ۴، صص ۱۶۵-۱۹۲.
۲۹. جعفریان، رسول (۱۳۸۲)؛ «مروری بر منقبت امامان علیهم السلام در شعر فارسی»، مجله مشکاة، شماره ۷۸، بهار ۱۳۸۲ صص ۷۸-۱۰۰.
۳۰. لفته حافظ، حسین (۲۰۱۲)؛ «القیم الخلقية في أدب رثاء الإمام الرضا (ع)»، مجله القادسية للعلوم الإنسانية، جامعة الكوفة، العدد ۴، صص ۴۶۷-۴۷۵.
۳۱. محسنی نیا، ناصر (۱۳۸۹)؛ «ادبیات تطبیقی، جایگاه و ضرورتها»، مجله ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۴، صص ۸۱-۱۰۲.

ومضات من أخلاق الإمام رضا الاجتماعية في الشعر المنتزم الفارسي والعربي^١

بممن هاديلو^٢

أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة العلوم ومعارف القرآن الكريم، إيران

الملخص

الشعر المنتزم يحاول أن يصور القيم الإسلامية وما يتعلّق بأهل البيت عليهم السلام من السجايا الأخلاقية، بلسان العاطفة والخيال ويخطو خطوات واسعة للتعريف بوجوه نيّرة وضآة يُتخذى بحذوها وتقتفى آثارها. نظراً للعلاقات الثقافية والتاريخية الوثيقة بين الشعبين العربي والإيراني يمكن أن نجد أصداء السجايا الأخلاقية للأئمة المعصومين في أشعار شعراء الشعبين المذكورين. هذه الدراسة تسعى، أن تصوّر نماذج من أخلاق الإمام الرضا الاجتماعي في الأدبين الفارسي والعربي على أساس المنهج الوصفي - التحليلي وبالاعتماد على نمط البحث المقارن. مع أنّه (ع) يكون تجسيدا تاماً لكلّ الفضائل الإنسانيّة، لكنّه من خلال دراسة بعض الأشعار العربية والفارسية تظهر لنا بعض معالم شخصيّة الإمام الرضا (ع) أكثر ظهوراً، منها: الجود، حسن الخلق، والصدق والتواضع والعدل ومما توصل إليه هذا البحث هو أنّ الشعراء في كلّ اللغتين تطرّفوا إلى الجود والسخاء أكثر من الشّيم الخلقية وذلك لأنّ الإمام (ع) شدّد في كلماته على هذه القيم الاجتماعية .

الكلمات الدلّيلية: الأخلاق الاجتماعية، الإمام الرضا (ع)، الشعر المنتزم الدّيني، الجود والسخاء.